

The comparison of the educational, supportive and punitive schedules in the Islamic Legal System and in the International Law

مقایسه برنامه تربیتی، حمایتی و تنبیهی در نظام جزایی اسلام و قوانین بین‌الملل

Mohammad Ali Haji Deh Abdi, Masoud Heidari

¹ Assistant Professor, Criminal Law and Criminology, Qom University, Qom, Iran

² PhD student, Criminal Law and Criminology, Qom University, Qom, Iran

محمدعلی حاجی ده‌آبادی، مسعود حیدری*

^۱ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران
^۲ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران

Abstract

چکیده

The educational, supportive, and punitive schedules in the Islamic Legal System and in the International Law with respect to the Juvenile delinquency are compared in this article in a qualitative and content-analytic manner. Here through interpreting and analyzing Quranic texts and teachings and regarding the juvenile delinquency, both systems are assessed. Analyzing the data is based on rational and scriptural approaches with respect to the conceptual analyses. The results indicate that Islamic Legal approaches regarding juvenile delinquency are centered on both preventive and corrective measures as axioms. The Islamic preventive measures include moderation, prevention of discrimination, supervision and care principles; whereas, the punitive measures include punishment, negligence and ect., in accordance with the circumstances. Though the Juvenile Delinquency Convention Law has rejected punishment, in Islamic Order Punishment is resorted to as the last corrective measure with a perception that it is a measure to make the subject aware and educate human to follow the right path. That is to say that, here, punishment is more regarded as an informative case.

Keywords: Punishment and Support, Criminology, Islamic Training Order, Islamic Legal System

هدف این پژوهش مقایسه برنامه تربیتی، حمایتی و تنبیهی در نظام جزایی اسلام و مقررات بین‌الملل جزایی در رابطه با بزه‌کاری کودکان بود که به روش کیفی از نوع تحلیلی - استنادی انجام شد. در این پژوهش با استفاده از تفسیر و تحلیل آموزه‌های تربیتی قرآن کریم و متون مرتبط با قوانین کنوانسیون حقوق کودک به مقایسه برخورد با بزه‌کاری کودکان پرداخته شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش عقلی و نقلی و تحلیل مفاهیم انجام شد. نتایج نشان داد رویکرد نظام حقوقی اسلام در رابطه با اعمال بزهکارانه کودکان بر دو محور اقدامات پیشگیرانه و اقدامات اصلاحی متمرکز است. اقدامات پیشگیرانه نظام حقوقی اسلام شامل اصل اعتدال، پرهیز از تبعیض، نظارت و مراقبت و ... و اقدامات کیفری در برگیرنده اصل تنبیه، موعظه، تغافل و ... با توجه به شرایط آن است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد در مقایسه دو سامانه، اگر چه مطابق با قانون کنوانسیون اصل تنبیه رد شده است، اما در نظام اسلامی تنبیه به عنوان آخرین راه کار تربیتی پذیرفته شده و به عنوان روشی مناسب برای هشیار ساختن و ادب کردن آدمی و جدا نمودن او از بدی و کجی توصیه شده است. اگرچه در مورد تربیت کودک تنبیه بیشتر وجه آگاهی دهنده می‌یابد.

واژگان کلیدی: تنبیه و حمایت، جرم‌شناسی، نظام تربیتی اسلام، نظام حقوقی و جزایی اسلام

مقدمه

امروزه پدیده‌ی بزه‌کاری اطفال و نوجوانان یکی از مشکلات بزرگ جوامع کنونی جهان است. آمارها نشان می‌دهد که به رغم بهبود وضع زندگی و معیشتی، جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان با سرعت زیادی افزایش یافته است. علل افزایش این جرایم را می‌توان در دور شدن از معنویت، شکاف نسلی، سستی اعتقادات دینی و مذهبی، فقر و مواد مخدر، وضعیت نابسامان اقتصادی، مشکلات خانوادگی، مسائل آموزشی، مهاجرت و جنگ برشمرد. (Ansari, 2015)

طبق آمارهای موجود ارایه شده توسط سازمان‌های بین‌المللی بیشترین جهت‌گیری رفتارهای غیرعادلانه و تبعیض‌ها متوجه کودکان و اطفال است. در پاسخ به این روند افزایش، جرایم کودکان موضوعی در خور تأمل گردیده و جوامع را به سمت و سوی اتخاذ سیاست‌های اصلاحی سوق داده است. از این رو در سیاست‌های کیفی و ترمیمی تغییر حاصل شده و جوامعی که زمانی کودکان را هم‌پایه‌ی بزرگسالان در دادگاه‌ها مورد محاکمه قرار می‌دادند، امروز به تشکیل پلیس ویژه‌ی کودکان روی آورده‌اند (Mehra, 2011) در این راستا نظام‌های حقوقی مختلف در سراسر دنیا با پیش‌بینی ساز و کارهای قانونی و اجتماعی به سمت کاهش کج روی‌های اطفال حرکت کرده و سامانه‌های حقوقی خود را در راستای تغییر سیاست‌های اصلاحی به جای سیاست‌های مقابله‌ای متحول ساخته‌اند. یکی از این ساز و کارهای مدرن به کار گرفته شده در سامانه‌های حقوقی تجدید یافته، تأکید بر آموزش و نقش نظام آموزشی رسمی در این زمینه است.

ادعای طرفداران اتخاذ رویکردهای آموزشی به جای رویکردهای برخورد تدافعی و تهاجمی آن است که نظام آموزش و پرورش نیز در شمول اشخاص مسئول مراقبت از کودک قرار می‌گیرد، هم‌چنان که کنوانسیون حقوق کودکان، هدف از آموزش کودکان را رشد شخصیت، افزایش احترام به والدین، حقوق بشر و آزادی اشخاص، افزایش احترام به هویت فرهنگی، آماده‌سازی کودک برای زندگی مسئولانه، تقویت روحیه صلح، مساوات، تفاهم و دوستی میان اقوام و مذاهب مختلف است. برابر ماده ۹ قانون مدنی،

عقود و مقرراتی که دولت جمهوری اسلامی ایران با سایر دول منعقد می‌کند؛ در حکم قانون است و بنا بر کنوانسیون حقوق کودک نیز دولت‌های عضو مکلف هستند؛ حقوق کودکان را تضمین و مفاد پیمان‌نامه را به قوانین داخلی خود تسری دهند. در این میان مسأله‌ای چالش‌برانگیز مطرح می‌شود و آن این‌که در نظام‌های حقوقی از جمله نظام حقوقی اسلام حق تنبیه برای والدین جایز شمرده شده و آن را تا حد متعارف جرم ندانسته است و در مقابل کنوانسیون حمایت از کودکان این موضوع را حتی از سوی والدین جرم می‌داند؛ بنابراین چگونه می‌توان به تعارض موضع اسلام به عنوان یکی از منابع اصلی تنظیم قواعد با قوانین حقوقی مرتبط با این زمینه پاسخ داد. در واقع سؤال اساسی این است که از منظر اسلام، سیاست‌های حقوقی به ویژه برای کودکان چگونه است؟ و تا چه حدی تنبیه از سوی نظام آموزشی و حتی والدین از منظر اسلام جایز شمرده شده است؟ در پاسخ به این سوال مقایسه دو سامانه حقوقی و قانونی از یک طرف و مبانی اسلامی مورد بحث از طرف دیگر لازم است مورد مذاقه قرار گیرد.

در مرور مبانی نظری اسلامی و دینی ذیل بحث آموزش و اصلاح رفتار اطفال سخن از تربیت دینی به میان می‌آید. تربیت دینی بخشی از تربیت به معنای کلی آن است و آن را باید از تربیت اسلامی متمایز نمود. تربیت اسلامی مجموعه اصول و روش‌های مورد نظر اسلام است که در جهت فطرت انسان و برای تعالی و تکامل او در مسیر الهی است و نوجوانان را با وظایف و شرایع دینی آشنا می‌کند. (Motahri, 1928) درحالی‌که تربیت دینی مجموعه اعمال عمدی و هدف‌دار به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند باشند، تعریف شده است. در هر سه نگرش تعلیم و تربیت اسلامی یعنی نگرش توصیفی، نظام استنباطی و نظام توصیفی- استنباطی (Alinejad, 2010) نگاه منحصر به فردی نسبت به این قشر وجود دارد. اما نکته مشترک تمام تعالیم آن است که بیشتر این توجه به تربیت کودک و جنبه پیش‌گیرانه از بزه تأکید دارد. این بدان جهت است که ارزش تربیت در دوران کودکی با هیچ دوره دیگری قابل قیاس نیست

مشیک...)) در رفتار میان رو باش یا خدای سبحان چنین فرموده است: «...وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تَخَافُ بِهَا ...» (الاسراء/۱۱) و نمازهایت را خیلی بلند نخوان و خیلی هم آهسته بخوان و در این آیه خداوند فرمود: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ ...» (الاسراء/۲۹) "هرگز دستت را به گردنت مبنده و آن را یکسره مگشای." و یا در آیه ۶۷ سوره فرقان می‌فرماید: «وَأَنَّا نَحْنُ حَزِينَةٌ كَانُوا يَرْجُونَ أَفْرَاطًا وَكَانُوا يَرْجُونَ نَهْرًا» (فرقان/۶۷) «و آنان چون هزینه کنند نه اسراف کنند و نه تنگ گیرند».

هر کار تربیتی باید بر اعتدال بنا گردد و به افراط و تفریط کشیده نشود. چرا که خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و میانه معرفی می‌کند. امت میانه یعنی امتی که همه برنامه‌هایش در حد اعتدال باشد.

(Behzadichinchi, 2001)

- اصل تفکر

تفکر صحیح در تربیت اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و بر هیچ امری چون آن تأکید نشده است. نظام تربیتی اسلام بر تفکر صحیح استوار است و مقصد آن است که تربیت‌شدگان این نظام اهل تفکر صحیح باشند و پیوسته بیندیشند.

این تأکید و برانگیختن مردمان به تفکر چنان است که از پیامبر اکرم (ص) چنین روایت شده است: «فِكْرٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَنَةٌ» (Majleci 1990) ساعتی اندیشیدن از یکسال عبادت بهتر است. (البته در این راستا منظور از ساعت قطعه‌ای از زمان است زیرا در قدیم هنوز ساعت به معنی امروز مطرح نبوده است.

تفکر، اساس حیات انسانی است، زیرا انسانیت انسان و ادراک او از علم و آدم و پروردگار عالمیان و اتصالی که با حق برقرار می‌کند به نحوه تفکر اوست قرآن کریم که کتاب تربیت انسان است، مردمان را به تفکر می‌خواند و از پیروی کورکورانه و بدون تفکر پرهیز می‌دهد و درستی و سلامت و قوام زندگی را نتیجه تفکر صحیح معرفی می‌کند؛ چنانکه خدای سبحان در قرآن کریم می‌فرماید:

«...فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر، آیه ۱۸) "پس بندگان مرا مژده ده، آنان که سخن را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینانند کسانی که خداوند راهشان نموده است، و ایشانند خردمندان."

(Ramezani and Haidari, 2012). در این راستا مبانی اسلامی به تربیت دینی مبتنی بر اصول قائل بوده و معتقد است به منظور جلوگیری از بزه باید تربیت را مقدم بر هر چیز دانست.

الف- تربیت و اصول آن به عنوان اقدامی پیش‌گیرانه از بزه‌کاری

یکی از عناصر تشکیل دهنده نظام تربیتی اسلام در مقابله با بزه، عنصر اصل است که در کنار دیگر عواملی از قبیل مبنا، روش و هدف چهارچوب کلی یک نظام تربیتی را ترسیم کند. این اصول به خصوص در حوزه تربیت دینی تردیدناپذیر است. زیرا بیشتر بر محور ارائه قالب‌ها و چهارچوب‌های کلی استوار است. اصول، مجموعه قواعدی است که با نظر به قانون‌مندی‌های مربوط به ویژگی‌های عمومی انسان (مبانی تربیت) اعتبار شده و به عنوان راهنمای عمل، تدابیر تربیتی را هدایت می‌کنند. (Bagheri, 1991)

با توجه به این مفهوم به نظر می‌رسد اصول تربیت کودک به منظور پرهیز از بزه در قرآن کریم و سیره معصومان علیهم‌السلام به شرح زیر باشد:

- اصل اعتدال

هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت فعلی مطلوب باشد. آیین تربیتی دین به اعتدال در هر امری فرا می‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که مردمانی متعادل تربیت شوند.

خدای سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...» (البقره/۱۴۳) و این چنین شما را امتی میانه (متعادل) ساختیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.

در قرآن کریم آیاتی متعدد در باره اعتدال وارد شده است و جهت‌گیری تربیتی این کتاب الهی بر این است که انسانی تربیت کند که در همه امور فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و جز این‌ها متعادل باشد انسانی که راه و رسم متعادل داشته باشد چنان‌که از زبان لقمان حکیم به فرزندش آمده است: ((واقصدفی

- اصل تدرّج و تمکّن

«تدرّج» به معنای اندک اندک و آهسته آهسته پیش رفتن و پایه به پایه نزدیک شدن است «تمکّن» به معنای جای گرفتن و جای گرفتن و جاگیر شدن و پابرجا شدن و نیز توانایی و قدرت و قادر شدن بر چیزی است. (Moeen,1983) هیچ انسانی جز بر اساس تمکّن و توانایی‌اش و جز با حرکتی تدریجی و مناسب به کمالات الهی دست نمی‌یابد، هم‌چنان که عکس این مطلب نیز صادق است و هیچ انسانی یک مرتبه و دفعتاً تباہ نمی‌شود. خدای متعال در چند آیه از کتاب کریمش مردمان و مؤمنان را هشدار می‌دهد که گام‌های شیطان را پیروی نکنند، از جمله می‌فرماید: «بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...» (النور / ۲۱) "ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از پی گام‌های شیطان مروید و هر که پای بر جای گام‌های شیطان نهد (بداند که) او به زشت‌کاری و کارهای ناپسند وا می‌دارد."

خداوند فرمان می‌دهد که «خطوات» شیطان را پیروی نکنید. «خطوات» گام‌های شیطان برای رسیدن به هدف خود و گمراه و تباہ ساختن مردم است. روش او روش گام به گام است و اعمال شیطانی و انحراف‌ها تدریجاً در انسان نفوذ می‌کند نه به صورت دفعی و ناگهانی. تدرّج و تمکّن در تربیت نیز امری است که در هر دو طرف صادق است و انسان بر اساس آن به سوی والایی یا تباہی سیر می‌کند.

- تدریجی بودن تربیت فرزند

تربیت کردن و تربیت‌پذیری امری تدریجی است و با رعایت توانایی و قدرت افراد ممکن می‌شود. توجه به تفاوت‌های فردی از مهم‌ترین اصول تربیت است؛ زیرا انسان‌ها از ظرفیت‌های متفاوتی برخوردارند. این امر از نشانه‌های قدرت خدای متعال است.

امیر مؤمنان علی (ع) فرموده: «خیر مردم در تفاوت آن‌هاست و اگر همه در استعدادها مساوی باشند، هلاک شوند» (Delshad tehrani,1998). بنابراین باید با کودک به مقدار توانایی او رفتار شود. (Behzadichinchani,2001)

- اصل تسهیل و تیسیر

«تسهیل» و «تیسیر» به معنای آسان کردن و

سهل‌گردانیدن است. (Moeen,1983)

مراد آن است که در هر حرکت تربیتی راه‌های آسان و میسر به روی متری گشوده شود تا میل و رغبت به رفتن فراهم شود و با متری از سر ملایمت و مدارا رفتار شود تا بتواند راه را بر خود هموار سازد و طی طریق کند و به مقصود دست یابد.

خدای رحمان راه خیر و سعادت را هموار و آسان کرده است و با وجود این انسان حق را می‌پوشاند و به راه حق نمی‌رود.

چنان‌که خدای سبحان در قرآن می‌فرماید:

«قَتَلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ». (عبس ۱۷-۲۰) "کشته باد انسان چه ناسپاس است او را از چه چیز آفریده است؟ از نطفه‌ای خلقش کرد و اندازه مقررش بخشید. سپس راه را بر او آسان گردانید."

- اصل کرامت

کرامت از نظر لغوی به معنای بزرگواری است. (Moeen,1983) در واقع کرامت نزاهت از پستی و فرومایگی و برخورداری از اعتلای روحی است (Javadi Amoli,1990) خدای تبارک و تعالی انسان را مفتخر به آفرینشی کریم کرده است تا در زمینه کرامت نفس به کمالات الهی دست یابد. خدای سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (الاسراء / ۷۰) و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی می‌داشتیم. انسان دارای کرامتی ذاتی است و این برترین سرمایه وجودی را می‌تواند شکوفا کند یا از دست بدهد انسان روحاً و فطرتاً به سمت کرامت گرایش دارد و از دنائت بیزار است و کمال آدمی در این است که کرامتش رشد یابد و از امور پست دور گردد. (Javadi Amoli,1990) خدای متعال کریم است و به آدمی گوهر کرامت بخشیده است و او را بر اساس کرامت تربیت می‌کند. خدای سبحان در قرآن مجید می‌فرماید: «تبارک اسمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». (الرحمن / ۷۸) خجسته باد نام پروردگار شکوهمند و بزرگوارت.

- اصل آزادی کودک

به ادب و تربیت تو همت گماشتم پیش از این که دلت به عادت‌های ناروا سخت گردد، لغزش‌ها در آن پا گیرند و فکر و ذهن تو به اموری دیگر مشغول گردد. (Najalbalagheh)

- اصل رعایت مساوات و پرهیز از تبعیض یکی از اصول مهمی که باید در تربیت کودکان و فرزندان مورد توجه قرار گیرد، رعایت برابری و مساوات در برخورد با آنهاست. سیره معصومان علیهم‌السلام در این زمینه بیان‌گر رعایت مساوات بین فرزندان - دختر و پسر - و تفاوت نگذاشتن بین آنها، به ویژه در ابراز محبت و اهدای هدیه است. البته روشن است که رعایت برابری، جنبه تربیتی دارد و به این دلیل است که حسادت دیگر برادران و خواهران به فرزندی که به او احترام و محبت بیشتری می‌شده، برانگیخته نشود و موجب دشمنی فرزندان با والدین نیز نگردد و آنها در احترام و محبت به پدر و مادر مساوات را رعایت کنند.

یکی از اصول تربیتی، داشتن رفتار عادلانه و به دور از هرگونه تبعیض در میان فرزندان است. در روایت‌های اسلامی آمده است که وقتی پیامبر اکرم (ص) با یاران خود می‌نشست، نگاه خود را به طور مساوی میان آنها تقسیم می‌کرد؛ یعنی حتی در نگاه کردن نیز مساوات را مراعات می‌فرمود! بزرگترین رمز سعادت در هر خانواده، تعادل در مهر و محبت بین کودکان است؛ اگر پدر و مادر عدالت و مساوات را رعایت نمایند باعث می‌شود فرزند به خواهر و برادر خود که محبوب‌تر است، کینه‌جو شود و نسبت به والدین احساس خشم و کینه کند و در تمام مراحل زندگی احساس حقارت نماید. (Sadat, 1996)

- اصل نرمی و ملاحظت در برابر سخت‌گیری و خشونت از دیگر اصولی که رعایت آن در تربیت کودک لازم است، آن که باید با کودک راه رفاقت، نرم‌خویی و ملاحظت در پیش گرفت نه خشونت و سخت‌گیری. در تربیت باید کاری کرد که کودک با میل، رغبت و شوق، پذیرای تربیت آن چه مربی می‌خواهد، باشد نه این که از مربی و والدین رمیده و فراری شود.

قرآن کریم به این حقیقت تربیتی تصریح دارد: «فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ و لو كُنْتَ ظَلًّا غَلِيظًا لَأَنْفَضُوا

سال‌های آغازین کودکی، سال‌هایی است که کودک هنوز درک کاملی از خوب و بد، سود و زیان و این که چه باید کرد و چه نباید کرد ندارد، اما بسیار کنجکاو بوده و پیوسته در پی واریسی اشیاء و شناخت آنهاست. کنجکاوی از ویژگی‌های انسان به ویژه در دوران کودکی است، دورانی که هنوز کودک شناخت چندانی از اشیاء و امور ندارد و واریسی تنها روشی است که به وسیله آن شناخت پیدا کند. از این رو مربیان و والدین نباید راه شناخت اشیاء را بر کودک ببندند. اسلام، کودکان را در این سنین آزاد می‌گذارد تا هر گونه که خواستند، رفتار کنند؛ زیرا شیوه‌ای جز این، برخلاف طبیعت کودک است. به همین جهت اسلام، بر کودکان تکلیف و امر و نهی ندارد، بلکه می‌گوید: دوران نخست کودکی - تا هفت سالگی - دوران حکومت کردن و دستور دادن کودک است. چنان که پیامبر (ص) می‌فرماید: «الولد سید سبع سنین: کودک تا هفت سال حاکم است.» (Hor Ameli).

- اصل نظارت و مراقبت

از دیگر اصولی که در سیره‌ی تربیتی معصومان علیهم‌السلام یافت می‌شود، نظارت و مراقبت از رفتار فرزندان است. تربیت فرزند، مانند پرورش نهالی است که نیاز به مراقبت دارد. باید به موقع به نهال آب داد و شاخ و برگ‌های زایدش را پیراست تا به درختی پر ثمر تبدیل شود.

نظارت و مراقبت در طول دوران تربیت لازم است. به ویژه زمانی که کودک از محیط خانواده، به اجتماع روی می‌آورد، زیرا سنین کودکی و نوجوانی، سنین تقلید و تأثیرپذیری از دیگران و سنین جوانی سنین الگوگیری است. والدین و مربیان دلسوز باید در این سنین مراقب باشند که فرزندان با چه کسانی رفت و آمد دارند، تا اگر اشتباهی در کار باشد آن را گوشزد نمایند.

مراقبت و هوشیاری پدران و مادران در تربیت فرزندان از حقوق واجب آنان است. این مراقبت باید هر چه زودتر و بهتر به عمل آید تا زمینه برای لغزش سد شود. امام علی (ع) در این زمینه به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید:

«فبادرتك بالادب قبل ان يقسوا قلبك و يشتغل لَبك».

«...وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ». (العنكبوت/ ۴۳) و آن‌ها تعقل نمی‌کنند؛ مگر دانشمندان.

«كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». (البقره/ ۲۴۲) این‌گونه خداوند، آیات خود را برای شما روشن می‌کند؛ شاید بیندیشید.

ج- کرامت انسانی

خداوند در کتاب تربیتی قرآن کریم، موضوع تربیت را که انسان باشد، به صفت کرامت ستوده است.

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً». (الاسراء/ ۷۰) حقا که ما فرزندان آدم را کرامت و شرافت بخشیدیم و آن‌ها را در خشکی و دریا سوار کردیم و آن‌ها را از انواع پاکیزه‌ها روزی کردیم و آن‌ها را برای بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم.

د- مهرورزی

تحقق امر تربیت، اساساً منوط به ایجاد پیوند عاطفی بین مربی و متربی است. به همین دلیل خداوند در تربیت انسان، محبت را به عنوان پیوندی محوری به کار می‌گیرد.

«...فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...». (المائده / ۵۴) پس به زودی خداوند گروهی را خواهد آورد که آنها را دوست می‌دارد و آنها نیز او را دوست می‌دارند.

ه- اعتدال

از آنجا که انسان همواره در معرض خطر افراط و تفریط است، شاخص اعتدال در امر تربیت دینی اهمیت فراوان دارد. از دیدگاه قرآن کریم امت اسلامی به عنوان امت وسط و معتدل معرفی شده است؛ چنان‌که خدای سبحان می‌فرماید:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...». (البقره/ ۱۴۳) و همان‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا شما بر مردم گواه باشید؛ این پیامبر هم بر شما گواه باشد.

ب- تنبیه به عنوان اقدامی تجویز شده در کاهش بزه‌کاری

در گذر زمان تعالیم برگرفته از مبانی اسلام در حوزه برخورد انسان‌گونه با بزهکاران کودک و اطفال به دیگر مناطق نیز تسری یافت. از جمله پس از فتح ایران، جزئیات

مِنْ حَوْلِكَ...». (آل عمران / ۱۵۹) به (برکت) رحمت الهی با آنها نرم‌خو (و پرمهر) شدی اگر تندخو و سخت دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.

در این آیه خطاب متوجه رسول‌الله شده و در حقیقت معنا چنین است، ای مؤمنین رحمت ما چنین ایجاب می‌کند که پیغمبر با شما به مدارا و نرمش رفتار کند و لذا به اوامر کردیم که گناهان شما را عفو کند و برای شما از خدا پوزش بخواهد و در امور با شما مشورت کند و این که هرگاه قصد امری نمود توکل بر ما نموده، آن را انجام دهد. در حقیقت این آیه منفرع بر کلام دیگری است که در تقدیر است، ولی سیاق کلام به خوبی آن را روشن می‌سازد و تقدیر این است ای پیامبر اکنون که آنان (مؤمنین) را مانند کفار می‌بینی و هاله‌ای از غم و حسرت، قیافه‌هایشان را احاطه کرده؛ رحمت ما چنین ایجاب می‌کند که حالت نرمش و مدارای خود را از دست ندهی، وگرنه از اطرافت پراکنده می‌شوند. والله اعلم (Tabatabaee, 1991).

به‌علاوه اصول تربیت در قرآن کریم باید دارای شاخص‌های زیر باشد تا قدرت پیش‌گیرانه خود را به اثبات برساند:

الف- معرفت و بصیرت

یکی از محورهای اساسی در امر تربیت، توجه به شاخص معرفت و بصیرت است. معرفت و بصیرت به معنای نوعی آگاهی عمیق و گسترده است که باعث پیوند بین انسان و واقعیت مورد نظر است. خدای سبحان در این مورد می‌فرماید:

«قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا». (انعام/ ۱۰۴)

به راستی بینش‌هایی از نزد پروردگار شما برایتان آمده است، پس هرکس در پرتو آن بینا شود، به سود خود چنین کرده است و هر کس کوری ورزد، به زیان خود عمل کرده است.

ب- تعقل و خردورزی

تأکید بر عقلانیت در آیات متعدد قرآن کریم مورد نظر قرار گرفته است. یعنی مربیان باید به کمک شناخت‌هایی که در نتیجه تأمل به دست آورده‌اند، در مقام عمل دست به اقدام بزنند؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

مجازات می‌گردند، بلکه اعمال مجازات در راستای تربیت ایشان است. در این مورد علامه حلی بیان می‌دارد: مجازات صبی در این زمینه از باب تکلیف نیست، بلکه از باب لطف است و شارع می‌خواهد او را ادب نماید. (Hoseinikhah, 2010)

در این میان قانون‌گذار از رهگذر جرم دانستن رفتارهایی که به وضعیت شخصی و اجتماعی کودکان آسیب وارد می‌کند و یا آن‌ها را در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌دهد، به حمایت کیفری ویژه از آن‌ها دست زده است. بدیهی است که بسیاری از جرم‌انگاری‌های فوق، مختص اطفال بوده و در مورد بزرگسالان مصداق ندارد؛ اما در موارد جرایم یکسان علیه اطفال و بزرگسالان، شارع بیشتر از ساز و کار تشدید کیفر استفاده کرده است. (Najafiabrandabadi, 2011)

اسلام با وضع قوانین مربوط به ممنوعیت کارهایی که تمامیت روح و اخلاق کودکان را به خطر می‌اندازد، به حمایت از کودکان پرداخته است و این کار را نه پس از به دنیا آمدن جنین که حتی پیش از تولد او مورد توجه قرار داده است. (Mozafari, 2013)

علاوه بر جرایمی که سلامت جسمانی و روانی کودکان را مورد تعرض قرار داده و یا در معرض خطر قرار می‌دهند، برخی رفتارها نیز وجود دارند که سلامت اجتماعی کودکان را هدف قرار می‌دهند. (Najafiabrandabadi, 2011). با این توضیح که رفتارهای فوق، علاوه بر تهدید سلامت جسمانی و معنوی کودکان، وضعیت اجتماعی و آینده‌ی کودک را به خطر انداخته و کودک را از یک زندگی عادی به مانند سایر شهروندان حال و آینده محروم می‌نمایند.

یکی از نکات ظریفی که در زمینه‌ی مداخله‌ی کیفری در اینجا وجود دارد، این است که با توجه به جنبه‌های رفاهی و تربیتی، بی‌توجهی و رفتار توأم با سهل‌انگاری والدین در قبال کودکان، اتکای صرف به پاسخ‌های کیفری قهرآمیز و سرکوب‌گرانه‌ی صرف، نه تنها موجبات بهبود شرایط را موجب نخواهد شد، بلکه در مواردی می‌تواند برای کودکان نتیجه‌ی عکس داشته باشد. (Najafiabrandabadi, 2011). از این‌رو اولویت دادن به ضمانت‌اجراهایی که هدف حمایت و بهبود شرایط کودکان

اسلامی که مأخذ و منبع آن، آیات قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل بود به مورد اجرا گذاشته شد (Pad, 2008). مقارن با رسوخ آموزه‌های اسلامی در برخورد با قشر غیر بزرگسال و به واسطه پیشرفت تمدن بشری، میزان مسئولیت اطفال در ارتکاب جرائم با در نظر گرفتن سن آنان مورد توجه قرار گرفت و مجازات آنان نسبت به مجازات بزرگسالان تا حدودی تخفیف پیدا کرد (Najafi, 2006).

اصولی که در شریعت مقدس اسلام در این رابطه لحاظ شده است نشان از آن دارد که در مسئولیت کیفری، عقل و بلوغ لازم است. لذا اشخاصی که فاقد عقل و اختیار و بلوغ‌اند، مسئولیت جزایی ندارند؛ از این رو در شریعت الهی اسلام برطبق حدیث رفع‌القلم عن الصبی، اصل بر عدم مسئولیت کیفری اطفال بوده و برخورد قضایی با آنان تفاوت زیادی با بزرگسالان دارد (Najafi, 2006).

مسلم است که عدم مسئولیت کیفری اطفال در صورت ارتکاب جرم به این معنی نیست که کودک را مطلق‌العنان رها کرده تا به هر نحوی که می‌خواهد رفتار کند (Rezaee, 2010). چنانچه برخی از اعمال، دارای مجازات طبیعی هستند و کودک، ناخودآگاه درمی‌یابد که از ارتکاب آنها بپرهیزد، ولی برای هر رفتار نامطلوب و نکوهیدای مجازات طبیعی وجود ندارد (حسینی خواه، ۱۳۸۹). به این جهت است که مجازات اطفال موضوعیت پیدا می‌کند. اسلام دارای شیوه‌ای خاص در برخورد با کودکان بزه‌کار است، تا از آن طریق اهداف اصلاحی و تربیتی شکل گیرد (Vosoghi, 2005). برخی از این موارد تربیتی بوده و جزء حقوق کودک محسوب می‌گردند و برخی دیگر از آنها اقدامات جزایی می‌باشند.

با مراجعه به کتب فقهی و حقوقی به دست می‌آید که اصولاً فقها و علمای دینی در کتب خود مباحثی را به اطفال و نحوه‌ی برخورد با جرایم ایشان اختصاص داده‌اند و معمولاً این ابواب تحت عنوان تأدیب‌الصبيان آورده شده است. البته مسأله حایز اهمیت آن است که اگر در تعالیم اسلامی بحث تأدیب یا تنبیه کودک مطرح است این تنبیه نوعی آگاه کردن بوده و به مفهوم تأدیب بدنی نمی‌باشد. (Rezaee, 2010). البته مجازات کودکان به این جهت نیست که آنان دارای تکلیف هستند و به خاطر عدم انجام آن

را در درون خانواده دنبال می‌کنند از اهمیت اساسی برخوردار است.

علاوه بر تمهیدات اسلام در باب پیشگیری آنچه که از احادیثی که بحث مجازات کودکان را مورد حکم قرار داده‌اند، می‌توان استنباط کرد آن است که تنبیه بدنی به عنوان یک راه اصلاح نهایی و آن هم به عنوان روشی آگاه کننده نه تادیب بدنی پذیرفته شده است. فقهای امامیه در اصل جواز تأدیب و تنبیه بدنی کودک تردیدی ندارند؛ اما این‌که چه کسانی در تنبیه بدنی کودک ولایت و حق اعمال دارند، در فقه موارد متعددی را شامل می‌شود. هم‌چنین ذکر این نکته ضروری است که در سیستم تربیتی اسلام، اصل تنبیه به عنوان آخرین روش تربیتی، پذیرفته شده است. (Forghani, 2000)

هدف از تنبیه کودکان، اصلاح و به نیکی واداشتن آنان است؛ بنابراین تنبیه یک اصل حکیمانه و در سمت و سوی منافع عالی‌های کودکان و نه شیوهی خشونت‌آمیز برای جبران ناتوانی‌های والدین در تربیت و هدایت کودکان است. چرا که یکی از آثار سوء تنبیه بدنی جرم‌زایی است.

بررسی‌های به عمل آمده در کانون اصلاح و تربیت نشان می‌دهد که ۹۹٪ کودکان بزه‌کار دارای والدین زودخشم و مهاجم بوده‌اند و ۸۰٪ کودکانی که دست به خودکشی زده‌اند نیز مورد شکنجه و آزار قرار گرفته‌اند. (Hoseinikhah, 2010)

نکته‌ی مهم این است که تنبیه تجویز شده در این موارد به مسائل تربیتی باز می‌گردد و بنابراین جنبه‌ی کیفری ندارد. محدوده‌ی تنبیه بدنی به موارد اندکی منحصر می‌شود که ارشادها، نصیحت‌ها، مداراها و بی‌اعتنایی‌ها بی نتیجه بماند که در این صورت، تنبیه تجویز می‌شود. زیرا تنبیه بدنی جنبه‌ی اصالتی ندارد و در راستای اصل رعایت عالی‌ترین منافع کودکان به عنوان روشی برای احراز مصلحت وضع شده است. (Hoseinikhah, 2010). این بدان معنی است که تا زمانی که می‌توان با روش‌های تربیتی غیر از تنبیه بدنی به اصلاح کودکان پرداخت نباید از روش تنبیه بدنی استفاده نمود. چنان‌چه «فردی از فرزندش به موسی بن جعفر (ع) شکایت کرد امام فرمود: فرزندت را زن و برای ادب کردنش از او قهر کن؛ ولی قهرت طولانی

نشود.» (Majlesi, 1990) حضرت علی (ع) می‌فرماید «هرکه با خوش رفتاری اصلاح نشود، با خوب کیفر کردن اصلاح می‌شود.» (تمیمی، ۱۴۰۷).

در مکتب اسلام با توجه به تقسیم‌بندی که در مورد کودکان مورد پذیرش قرار گرفته (یعنی کودکان ممیز و کودکان غیرممیز) برخورد متفاوت و متناسبی نیز در مورد هر یک از این گروه‌ها پیش‌بینی شده است. در واقع از منظر سیاست جنایی اسلام، ایجاد قوه‌ی تمیز در کودک می‌تواند موجد آثاری متفاوت در نحوه‌ی برخورد قضایی با وی باشد. محققین و متخصصین حقوق جزا، تمیز را چنین تعریف کرده‌اند: تمیز عبارت است از قدرت تشخیص خوب از بد. این کار مستلزم داشتن رشد عقلی است. به عقیده‌ی برخی دیگر از حقوق‌دانان، تمیز عبارت است از آگاهی طفل به اینکه مرتکب عمل غیرقانونی و یا خلاف نظامات اجتماعی شده است. (Salahi, 2006)

در فقه شواهد بسیاری بر عدم مسئولیت کیفری اطفال غیرممیز وجود دارد. به عنوان مثال در بحث سرقت عنوان شده: «سارق اگر غیر بالغ به سن قانونی باشد در صورت نیل به مرتبت آگاهی و تمیز، تعزیر می‌شود و در غیر این صورت یعنی به شرط این که غیر ممیز باشد، مجازات مطلقاً از او ساقط است.» (Jafari) یا در بحث قصاص این‌گونه عنوان شده: «در مورد جرایمی که سبب قصاص می‌گردد، اگر مرتکب غیر ممیز باشد، قصاص بر مکره ثابت است نه بر مرتکب.» (Behjat) در ادامه هیچ مجازاتی برای مرتکبی که طفل غیر ممیز است در نظر گرفته نشده است. در جای دیگر به طور صریح‌تر عنوان شده: «بدان که هرگاه در کسی شرایط قصاص متحقق شود و کسی را بکشد قصاص بر او لازم می‌شود و اگر چه کسی او را به اکراه بر این داشته باشد؛ اما اگر طفل غیر ممیز و دیوانه را به اکراه کسی بر کشتن دارد یا مأمور گرداند در این صورت قصاص بر امر کننده است نه بر ایشان.» (شیخ بهایی، ۱۳۱۹).

برخی فقها از این نیز فراتر رفته و به عنوان یک قاعده‌ی کلی مطرح کرده‌اند: «تردید نیست که زدن کودک غیرممیز از مصادیق ظلم است و زدن چنین کودکانی از نظر عقل جایز نیست و فرقی نمی‌کند که زنده، پدر او باشد یا دیگری.» (Hoseinikhah, 2010). مشخص

دادرسی صغار مشهور به «قواعد بیجینگ» است. سند دیگر بین‌المللی اصول راهبردی سازمان ملل برای پیش‌گیری از جرایم اطفال تحت عنوان «اصول ریاض» است. همچنین قواعد حداقل سازمان ملل برای حمایت از اطفال محروم از آزادی از دیگر اسناد مهم در زمینه حقوق کودک است. در نهایت یکی از مهم‌ترین اسناد سازمان ملل، پیمان معروف حقوق کودک است که در سال ۱۹۸۹ میلادی تدوین شده است.

از آنجایی که کنوانسیون حقوق کودک از میان این چهار سند بین‌المللی به عنوان معاهده ظهور یافته و نیز بدان دلیل که دولت ایران طرف این کنوانسیون می‌باشد، عمده‌ی حقوق الزام‌آوری که برای اطفال در اسناد بین‌المللی شناخته شده و در ایران لازم‌الاجراست را بایستی از این سند استخراج نمود.

ممنوعیت هرزه‌نگاری اطفال یعنی اشاعه هر نوع مطلب چاپی و محصول دیداری و نمایشی با هدف تحریک هیجان جنسی کودکان، هر گونه نمایش مشارکت کودک در فعالیت جنسی به گونه‌ای واقعی و یا شبیه‌سازی شده و یا نمایش اندام جنسی کودک با اهداف جنسی، هر گونه سوءاستفاده جنسی از کودکان، تجاوز جنسی، به بردگی گرفتن و یا کلیه اشکال خشونت و سوءاستفاده جنسی، ممنوعیت خودفروشی اطفال، آزار و بهره‌کشی جنسی؛ قاچاق؛ کار خطرناک؛ خشونت؛ زندگی و کار کردن در خیابان‌ها؛ تأثیر مخاصمه مسلحانه از قبیل استفاده از کودکان توسط نیروها و گروه‌های مسلح؛ روبه‌های مضر از قبیل ختنه / قطع آلت تناسلی دختران و ازدواج کودک؛ نبود دسترسی به عدالت و قرار دادن غیرضروری کودکان در مراکز نگهداری کودک خرید و فروش اطفال به منظور بهره‌کشی جنسی، توریسم جنسی، صنعت تجارت سکس و... نمونه‌ای از مواردی است که جرم شمرده شده و قانون‌گذار، تدابیر مواجهه قانونی را برای آن پیشنهاد کرده است.

ایجاد نظام‌های ملی - محلی، حمایت از کودک از جمله این اقدامات است. همچنین در جایی که نظام‌های حمایت از کودک وجود ندارد یا به شدت تضعیف شده است، بازیگران خارجی باید ساز و کارهای مثبت اجتماعی با مشارکت و تقویت ظرفیت بازیگران محلی از جمله جامعه مدنی، در

است از منظر سیاست جنایی اسلام، به واسطه‌ی شرایطی که کودک غیرممیز دارد اعمال هرگونه اقدامی تحت عنوان مجازات بر وی ممنوع است. فارغ از مباحث مطروح در باب عدم مسئولیت کیفری کودکان در قبال انجام جرم، رویکرد قضازدایی و کیفرزدایی نسبت به این دسته از کودکان از این دیدگاه نشأت گرفته که در این دوره هیچ‌گونه اثری بر اعمال مجازات قابل تصور نیست.

علاوه بر این که تنبیه می‌باید به عنوان آخرین روش تربیتی مورد استفاده قرار گیرد، در استفاده از آن نیز نباید افراط کرد. اما نکته مهم حدود تنبیه به عنوان یک روش تربیتی است. چنانچه در قوانین پاره‌ای از کشورها مانند انگلستان و اسپانیا صرفاً تنبیه معقولانه‌ی کودکان مورد پذیرش قرار گرفته است. به عنوان مثال ماده‌ی ۱۵۴ قانون مدنی اسپانیا می‌گوید: «والدین می‌توانند کودکان خود را به طور معقول و با ملامت تنبیه کنند.» هم‌چنان که اسلام نیز برای تنبیه بدنی کودکان حد و مرز قایل شده است.

به عبارت دیگر علاوه بر این که در اسلام مباحث مربوط به زمان و موقعیت اعمال تنبیه بدنی نسبت به کودکان تعیین حکم شده، توجه به روایات گویای آن است که حتی در میزان تنبیه بدنی نیز اعمال قاعده شده است. حماد بن عثمان می‌گوید از حضرت صادق (ع) درباره‌ی تأدیب کودک و مملوک سؤال کردم، حضرت فرمود: «پنج یا شش تازیانه‌ی ملازم است.» (Mohades Noori, 1998) محقق حلی در مقدار تأدیب چنین بیان داشته است: «در تأدیب کودک بیش‌تر از ده تازیانه زدن مکروه است.» (Forghani, 2000).

همان‌گونه که عنوان شد نظام تربیتی اسلام در مواجهه با رفتارهای ناشایست کودک رویکرد اصلاحی نرم را برگزیده و در موارد مکرر والدین و جامعه را به رعایت حقوق کودک توصیه نموده است. مهر ورزی، کرامت انسانی، اعتدال و ... از جمله توصیه‌های مؤکد اسلام درباره کودک است. به نوعی دیگر، قوانین حمایتی از کودکان و صغار در حقوق بین‌الملل و کنوانسیون حقوق کودک نیز دیده می‌شود. اگر چه برخی از صاحب‌نظران نسبت به شمولیت و جامعیت آن ایراداتی وارد کرده‌اند. یکی از اسناد تأثیرگذار مجموعه قواعد، حداقل سازمان ملل درباره‌ی تشکیلات و چگونگی

نیز از روش نقلی و عقلی و تحلیلی مفاهیم (توصیفی و تحلیلی) استفاده شد.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه در سامانه‌ی حقوقی اسلام نشان می‌دهد انسان پیوسته در معرض اشتباه و خطا، انحراف و گناه، و شر و فساد است؛ و نفس سرکش آدمی مادام که مهار نشده است، انسان را به نافرمانی خدا می‌کشاند و در وادی هوا و هوس‌ها به انواع تباهی مبتلا می‌سازد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ نَفْسًا لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ...» (یوسف / ۵۳) "و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم، زیرا که نفس (آدمی) بس به بدی و گناه فرمان می‌دهد."

تنبیه درست و طبق آداب، روشی است مناسب برای بیدار کردن و هشیار ساختن و ادب کردن آدمی و جدا نمودن او از بدی و کجی است و اگر در این کار اهمال شود و درخت بدی در وجود آدمی تناور گردد، قطع ریشه‌های آن بسیار دشوار و ناممکن می‌شود و انسان را به هلاکت می‌رساند.

امام علی (ع) در این مورد می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ فَمَنْ أَهْمَلَهَا حَمَخَتْ بِئِ إِلَى الْمَأْتِمِ» (Khansari, 1979) "همانا این نفس به بدی و گناه فرمان می‌دهد پس هر که آن را واگذارد او را به سوی گناهان می‌کشاند."

بنابراین تنبیه در شرایط خاص بهترین وسیله نجات آدمی از هلاکت و مایه حیات بخشی است، چنان که خدای متعال فرموده است: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». (البقره ۱۷۹) ای خردمندان، شما را در قصاص زندگانی است، باشد که پروا کنید.

تنبیه و مجازات درست و طبق ضوابط نقشی اساسی در اصلاح فرد و جامعه دارد و علی‌رغم ظاهر آن از لطافت و جمالی شگفت برخوردار است و عین رحمت و محبت است و سبب پاکی و پاکیزگی فرد و جامعه می‌شود.

مونتنی، مربی فرانسوی در رساله‌ای تحت عنوان «سازمان تربیتی کودکان» نسبت به نوع تنبیهات وحشیانه، سخت اعتراض کرده و می‌گوید: «تنها اثری که از تنبیه با شلاق به دست می‌آید، سرسختی و لجاجت تنبیه شده و

راستای حمایت از حقوق کودک بنا نمایند. توسعه و اجرای یک چارچوب در زمینه نظام‌های حمایت از کودک در وضعیت‌های اضطراری و انتقالی، حمایت از ادغام آمادگی اضطراری حمایت از کودک و برنامه‌ریزی واکنش در قالب ساز و کارهای برنامه‌ریزی ملی و کمک به تجهیز دولت‌ها و سایر بازیگران به منظور شناسایی و واکنش به چالش‌های فزاینده یا نوین حمایت از کودک، توسعه و اجرای الگوهای نظام‌های اجتماعی حمایت از کودک در وضعیت‌های اضطراری، حمایت از تغییر اجتماعی مثبت، مشارکت و توانمندسازی دختران و پسران از جمله نوجوانان در کاهش فرهنگ خشونت، ساز و کارهایی که پویایی خانواده و جامعه را مورد توجه قرار می‌دهند، تقویت ظرفیت برای ترویج فرهنگ صلح از قبیل توجه به عضویت در گروه‌ها، خشونت خانوادگی و اجتماعی از جمله شناسایی رویه‌های خوب در مورد مشارکت نوجوانان، خانواده‌ها و جوامع برای توجه به خشونت و بسیج جوانان برای تغییر مثبت اجتماعی، توسعه و بسط رویکردهایی برای توجه بهتر به تغییر اجتماعی در دوره‌ی انتقال به عنوان نتیجه شرایط اضطراری، روزآمد نمودن، توسعه و اجرای رهنمون‌ها و ساز و کارهای بین‌المللی از دیگر قوانین حمایتی کودک در این زمینه است. با توجه به مباحثی که مطرح شد پژوهش حاضر در صدد است برنامه تربیتی، حمایتی و تنبیهی در نظام جزایی اسلام و قوانین بین‌الملل را مورد مذاقه قرار داده از مطالعه آن به اجماعی در این موضوع دست یابد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و براساس مطالعات گسترده کتابخانه‌ای صورت گرفته است. لذا روش تحقیق این پژوهش روش کیفی از نوع تحلیلی- استنادی است که در آن سعی در تبیین و مقایسه دو نظام اسلامی و سامانه‌ی حقوقی در برخورد با بزه‌کاری شده است. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش به روش فیش‌برداری بوده است که در آن با استفاده از قرآن کریم، تفاسیر، منابع حقوقی، قانون کنوانسیون حقوق کودک و سایر متون مرتبط با موضوع تعلیم و تربیت اطلاعات جمع‌آوری شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش شیوه بررسی اسناد و مدارک است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش

آدم‌های ضعیف و هیچ‌کاره بار می‌آید یا آدم‌های قلدری که در تمام زندگی به دلیل هیجان‌ات روحی دوران کودکی انتقام‌جو باقی می‌مانند» (Forghani, 2000)

در مورد تنبیه بدنی و آسیب‌های تربیتی آن، در روان‌شناسی بحث‌های زیادی مطرح شده است. بیشتر روان‌شناسان، آثار تربیتی آن را نفی کرده یا در برابر آسیب‌های تربیتی، ناچیز می‌دانند؛ از این رو تنبیه بدنی را برای تربیت جایز نمی‌دانند.

بنابر مطالعه نگارنده در سیره معصومان علیهم‌السلام و زندگی آنها موردی یافت نشد که آن بزرگان، یکی از فرزندان خود یا کودکان را تنبیه بدنی کرده باشند؛ و شواهدی وجود دارد که آنها دست به تنبیه بدنی نمی‌زدند، گرچه گاه آن را جایز دانسته‌اند. در مقابل برای تنبیه راه‌های جایگزینی وجود دارد که بسا تأثیر آن بیشتر است. اما اینکه معصومان علیهم‌السلام تنبیه را جایز دانسته‌اند به این دلیل است که دست مربی و والدین در امر تربیت بسته نباشد و اگر بر اثر قصور یا تقصیر در امر تربیت کار به جایی رسید که لازم شد برای جلوگیری از تخلف کودک و یا وادار کردن او به کار لازمی، تنبیه شود، بتواند از این راه استفاده نمایند.

تنبیه بدنی یک وسیله خطرناک تربیتی است که ضررهای قابل توجهی را در بر دارد که عبارتند از:

- ۱- کودک به وسیله کتک خوردن با منطق غلط تسلیم شدن در برابر زور عادت می‌کند.
- ۲- با منطق زورگویی و قلدری آشنا می‌شود.
- ۳- کودک کتک خورده نسبت به تنبیه کننده عقده پیدا می‌کند.
- ۴- در اثر کتک شخصیت کودک در هم می‌شکند و تعادل روحی او بر هم می‌خورد.
- ۵- تحقیر می‌شود و بزدل بار می‌آید.
- ۶- به آزادی و استقلال طلبی کودک لطمه می‌زند.
- ۷- جهان را پر از ظلم و جور و بزرگترها را ظالم می‌داند.

در نهایت در هنگام تنبیه توجه به نکات زیر اساسی است:

یا تخدیر روح او مبنی بر بی‌اعتنایی و لابلالی‌گری است. (Attaran, 1992)

پیامبر اکرم (ص) برای تنبیه فرزند و متربی، قهر کردن را سفارش می‌نماید، چنان‌که می‌فرماید: «وَلَا تَضْرِبُوهُ وَاهْجُرُوهُ وَ لَا تَطْلُوهُ» متربی را نزن و برای ادب کردنش از او قهر کن، ولی مواظب باش قهرت طول نکشد. (Ahmadi, 1999)

گروهی از روان‌شناسان معتقدند تنبیه به هیچ‌وجه نباید اجرا شود و حتی الامکان باید از اجرای آن جلوگیری به عمل آید. گرچه در برخی موارد تنبیه موجب کاهش و یا از بین رفتن رفتار نامناسب می‌شود؛ ولی در اکثر موارد پس از حذف تنبیه رفتار نامناسب مجدداً ظاهر می‌گردد. (ShafiAbadi, 1992)

در یک اجماع درباره این‌که آیا اسلام اصل تنبیه را می‌پذیرد، جواب مثبت است؛ یعنی اسلام، در سیستم تربیتی خود اصل تنبیه را به عنوان آخرین روش تربیتی، پذیرفته است. وجود جهنم و عذاب اخروی مجرمین در آیات قرآنی، دلیل متقن و روشنی است که اسلام اصل تنبیه را قبول کرده است. اما وقتی اسلام مسأله تنبیه را به طور خاص در نظام تعلیم و تربیت مطرح می‌کند، به تکلیف اهمیت ویژه‌ای داده است و لذا فردی که به حد تکلیف شرعی نرسیده است، بسیاری از مسئولیت‌ها به عهده او نیامده است، و در مقابل شخصی که عاقل و بالغ است مسئولیت‌ها و تکالیفی از او خواسته شده است. (Forghani, 2000)

خدای سبحان در آیات متعدد قرآن به تنبیه اشاره نموده: «فَصَبَّ عَلَیْهِمْ رَبُّكَ سَوَاطِیَ عَذَابٍ». (الفجر / ۱۳) «پس پروردگارت برایشان تازیانه عذاب ریخت.

خداوند در این آیه قوم ثمود و عاد و فرعون را به جهت سرکشی به مجازات تازیانه عذاب محکوم نمود. یا می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِی الْقِصَاصِ حَیْوَةٌ یَا أُولَی الْاَلْبَابِ...» (البقره / ۱۷۹) «ای صاحبان فکر و اندیشه در قصاص برای شما حیات و زندگی است»

ماکارنکو به عنوان یکی از بنیان‌گذاران تعلیم و تربیت نوین که زندگی خود را صرف تربیت بچه‌های بزه‌کار کرد، معتقد است از کودکان کتک‌خورده و بی‌اراده، بعدها یا

Behzadi chinjani, MT. (2002). Education, children and families, training monthly, year XVI, 63-65

Delshad Tehrani, M. (2009). Educational principles of Nahjolbalaghe, publishing sea, 202 pages

Forghany, m, (2004). Understanding children's behavioral problems, Fourth Edition, Tehran, Harbinger Training Institute, 239 pages

Forghany, M. (2000). Jurisprudence and legal penalties and discipline children, Avl.thran printing, publishing PTA, 285 pages

Hor Ameli. (1987). Vasaelo Shiea, Volume 14 and 15. Translation as accuracy, fourth edition, Qom Bayt Institute

Hoseini Khah. (2010). Corporal punishment of children in the system of international human rights and Jurisprudence, Jurisprudence Center pure of Aeme Athar

Khansari, A. j. (1980). Ghorralheqam and Doraralkalem, Tehran University, Institute Press, second edition.

Majlesi m. (1990). Bihar al-Anwar, vol. 23, Daralaha'altras-Alrybh Beirut

Mehra, n. (2011). Criminal justice for children, publishing mizan

Moein m. (1984). Moein Encyclopedia, Tehran's Amir Kabir Publications

Mohadeth Noori, (1998). Mustadrak Al vasayl and Mostanbet ol masael, Volume 3, the publication of the Institute on Prophet

Mozaffari, m. (2013). Fetal rights based on her physical and mental health, eternal Publications

Nahjolbalaghe, (2006). Trans by Shahidi, Fourteenth Edition, Tehran, Scientific and Cultural Publications, 596 pages

Najafi T. (2006). Disorder and delinquency in children and adolescents, teaching and assessment, first edition

Najafi, F. (2006). His children and safeguards in Iran, Master's thesis, Islamic Azad University of Arak

۱- تنبیه به عمل و صفت بد شخص تعلق می‌گیرد و هدف آن است که شخص از بدی جدا شود و نباید شخصیت انسانی او مورد اهانت قرار گیرد.

۲- تنبیه باید سنجیده و حساب شده و دقیق باشد و به هیچ وجه از حد و اندازه فراتر نرود.

۳- تنبیه برای تنبیه و بیداری است و باید کاملاً متناسب شخص و عملی که از او سرزده است، انتخاب شود.

۴- تنبیه نباید به هیچ وجه برای تشفی خاطر و ارضای خود و یا انتقام صورت گیرد.

۵- بهتر است تنبیه دور از چشم دیگران و در خفا صورت گیرد؛ مگر مواردی که نیاز است دیگران متنبه شوند.

۶- شخصی که تنبیه می‌شود باید نسبت به تنبیه خود توجیه باشد و بداند که چرا مجازات می‌شود.

هم‌چنین مطالعه در سامانه‌های حقوقی بین‌الملل و کنوانسیون حقوق کودک نشان از آن دارد که قوانین مطروحه حالت حمایتی داشته، کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم از جمله اقدامات قانونی، اجرائی، اجتماعی، آموزشی را جهت حمایت از کودکان در برابر استفاده غیرقانونی از کودک که در معاهدات بین‌المللی مربوطه تعریف شده به عمل خواهند آورد.

منابع

Abrndabady Najafi, A. Madani Ghahfarokhi, S. and Zeinali, Amir Hamza. (2011) The Pathology of children's rights in Iran, published by mizan

Ahmadi, A. (2004). Training principles, Fourth Edition, Tehran, dissemination of PTA, 262 pages

Ansari, GH. (2013). Sentences and children's rights in Islam, Volume 2, Aymh-e athar, and legal center Infallible, 1392

Attaran, M. (1992). Great coaches bred Muslim vote, Third Edition, Tehran, school publications, 148 pages

Bagheri, Kh. (1991). Take a look back to Islamic education, Second Edition, Tehran, school publications, 274 pages

Pad A.(2008). Criminal law, Volume 1, publication of mizan

Rezaei, m.(2010). Child punishment in Islam and the laws, graduate, specialized jurisprudence of the Supreme

Salahi, Javid.(2006) Juvenile delinquency, first edition, published by Gutenberg

Shafiabadi,(1992). Child-rearing techniques., Fifth Edition, Tehran, four, 142 pages

Tabatabai, m. (1991). Tafsir Al-Mizan ,Al-twenty volumes, translation Mousavi Hamadani .qom print 594 page

Tamimi Amadi, Abdul Wahid .(1985). Ghorralhekqm and Doraralkalem, Volume 2, amatboaat Beirut

Vosoghi Tohid,(2005). Support the criminal investigation of child offenders in Iran with a view to international instruments, master's thesis, Islamic Azad University